

مطالبه خصوصی خسارت ناشی از دستکاری بازار اوراق بهادار

محمد صادقی*

مقدمه

«دستکاری بازار»^۱ را باید یکی از مصادیق بارز رویه ضدرقابتهی در بازارهای اوراق بهادار دانست که عبارت است از تلاش‌های عامدانه به منظور دخالت در عملکرد آزاد و عادلانه بازار و ایجاد ظاهر گمراه‌کننده و مصنوعی از قیمت ورقه بهادار. این پدیده عموماً زمانی اتفاق می‌افتد که معامله‌گران با اقدامات عمدی خویش باعث معامله اوراق بهادار به قیمتی غیر از ارزش واقعی بازار می‌گردند.^۲ به عبارت دیگر، زمانی که اشخاص با اقداماتی از قبیل طرح یا گسترش شایعات و یا ایجاد ظاهری خلاف واقعیات بازار باعث شوند که تصمیم‌گیری فعالان بازار اوراق بهادار، مبتنی بر داده‌ها و تحلیل‌های فریبنده و غیرواقعی شکل گیرد، دستکاری بازار رخ داده است. از منظر قانونی، به‌رغم اینکه در قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران این اصطلاح به کار برده نشده، لکن با تأسی از بند ۳ ماده ۴۶ قانون مذکور، دستکاری را می‌توان عبارت از «هر اقدامی [دانست] که منجر به ایجاد ظاهر گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار گردد». یکی از مسائل مهمی که درخصوص دستکاری، محل تأمل می‌نماید این است که اصولاً پدیده

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید

Sadeqi67@gmail.com

1. Market Manipulation
2. Charles Korsmo, Mismatch: The Misuse of Market Efficiency in Market Manipulation Class Actions, William & Mary Law Review, (2011) Vol. 52, No. 4, p 1137.



مورد بحث را در زمره جرائم بورسی محسوب می کنند که صبغه کیفری آن غلبه دارد. درحقیقت علی رغم اینکه در مقررات، حکم صریحی درخصوص قابل گذشت بودن این پدیده وجود ندارد باید آن در عداد جرائم عمومی و غیرقابل گذشت دانست.^۱

به همین جهت درخصوص جوانب حقوقی ناظر به دستکاری، رویکردی وجود دارد که چون در این خصوص اصالت با وجهه عمومی می باشد از لحاظ حقوقی امکان مطالبه و طرح دعوی خصوصی با محدودیت هایی مواجه است. این تفسیر با وجود اینکه بر مبنای مصالح عمومی بازار سرمایه اتخاذ می شود، اما از نظر اصول حقوقی با اشکالات و ابهاماتی همراه است که درنهایت می تواند حق خصوصی فعالان بازار را نادیده بگیرد. از این رو در نوشتار حاضر در مقام تحلیل مطالبه خصوصی خسارت ناشی از دستکاری بازار اوراق بهادار برآمدیم و مسائل و ابعاد حقوقی طرح دعوی مربوط به موضوع را از حیث ضوابط حقوق خصوصی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. بنابراین، به منظور بررسی دقیق تر بحث، ابتدا یکی از آراء هیأت داورى بورس را مورد اشاره قرار داده، بر مبنای آن وارد بحث اصلی خواهیم شد.

مبحث نخست: رأی هیأت داورى بورس و اوراق بهادار

هیأت داورى بورس در دادنامه شماره ۹۱۱۱۰۰۰۱۸ مورخ ۹۱/۰۷/۱۰، دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از اطلاع رسانی و گزارش های غیرواقعی و عدم شفاف سازی صحیح و نیز دستکاری قیمت سهام را از صلاحیت خویش سلب نموده است. به موجب رأی مزبور «درخصوص درخواست خواهان به طرفیت شرکت خواننده به خواسته جبران ضرر و زیان وارده به میزان یک میلیارد ریال با هزینه دادرسی با عنایت مواد مندرج در ذیل فصل پنجم و ششم موضوع اطلاع رسانی در بازارهای اولیه و ثانویه و جرائم و مجازات ها از قانون بازار اوراق

۱. مجید قربانی و عباس باقری، «دستکاری بازار اوراق بهادار»، فصلنامه پژوهش حقوق، س دوازدهم،

بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ به‌ویژه بند ۳ ماده ۴۶، ماده ۴۷، بند ۲ و ۴ ماده ۴۹، ماده ۵۱ و منطوق ماده ۵۲ قانون یادشده که مقرر داشته «سازمان، مکلف است مستندات و مدارک مربوط به جرائم موضوع این قانون را گردآوری کرده و به مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نموده و حسب مورد، موضوع را به عنوان شاکی پیگیری نماید؛ چنانچه در اثر جرائم مذکور ضرر و زیانی متوجه سایر اشخاص شده باشد زیان‌دیده می‌تواند برای جبران آن به مراجع قانونی مراجعه نموده و وفق مقررات، دادخواست ضرر و زیان تسلیم نماید» و اینکه رسیدگی به ادعاهای خواهان از جمله صلاحیت‌های محاکم عمومی دادگستری است تا عندالاجتضاء با احراز تخلفات و احیاناً اتهامات انتسابی شرکت خوانده ضرر و زیان مورد ادعای خواهان، جبران و تدارک شود، لهذا رسیدگی به خواسته خواهان از صلاحیت ذاتی این هیأت منبعت از ماده ۳۶ قانون یادشده، منصرف و غیرقابل استماع است و رأی به رد دعوای مطروحه، صادر و خواهان ارشاد می‌شود که مطابق با ماده ۵۲ قانون مزبور اقدام نماید. این رأی قطعی است.^۱

بند نخست: مبنای رأی

علت اتخاذ این رویه از آن روست که با توجه به جرم‌انگاری پدیده دستکاری بازار، اصالت با جنبه عمومی و کیفری مسئله است و چون قانون‌گذار این مهم را در زمینه کیفری قانون بازار اوراق بهادار تقنین نموده، رسیدگی حقوقی به این امر تحت‌الشعاع جنبه کیفری آن قرار خواهد گرفت. در واقع هیأت داوری در اینجا قائل به اصالت کیفری مسئله بوده و حتی فرض حقوقی را منتفی دانسته است؛ چراکه اگر در این دعوا، مطالبه خصوصی را می‌پذیرفت لاقلاً می‌بایست قرار اناطه صادر می‌نمود.

ناگفته نماند که هیأت داوری در دعوای دیگری (کلاس: ۹۶۰۰۰۰۱، شماره دادنامه: ۹۶۱۱۰۰۰۷۵، تاریخ صدور رأی: ۹۶/۰۷/۱۷) به خواسته مطالبه خسارت

۱. جعفر جمالی و محمد صادقی، رویه هیأت داوری بورس و اوراق بهادار (تهران: انتشارات بورس، ۱۳۹۶)، صص ۱۴-۱۵.

ناشی از عدم شفاف‌سازی به‌موقع و تخلف در ارائه صحیح اطلاعات، همین مبنا (قرار اناطه رسیدگی) را اتخاذ و بیان نموده: «با توجه به اینکه ادعای خواهان ارائه اطلاعات خلاف واقع، موضوع ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴، یا انجام اقداماتی که نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار می‌شود، موضوع بند ۳ ماده ۴۶ قانون مذکور می‌باشد و این هر دو مورد، بنا به تصریح مواد مورد اشاره جرم محسوب می‌شود، مورد از مصادیق اناطه مصرح در ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ محسوب می‌شود. بدین ترتیب، براساس ماده ۱۹ مذکور، ادعا باید ابتدا در دادگاه کیفری مطرح شود. بنابراین، ضمن صدور قرار اناطه، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌شود».

فارغ از توجیه‌پذیری مبنای اتخاذی در رأی اخیر نسبت به رأی سابق، در یک فرض می‌توان نتیجه عملی دو رأی را مشابه دانست که در عین اطلاع رسیدگی ممکن است باعث تضییع حقوق خصوصی سرمایه‌گذار گردد. شرح این فرض را در مباحث آتی خواهیم آورد.

بند دوم: تحلیل مستند قانونی رأی

برای تحلیل دقیق‌تر این مسئله از حیث موضوعیت یا عدم موضوعیت جنبه کیفری دستکاری باید مقررات مورد استناد هیأت داور (قانون بازار اوراق بهادار) را بررسی کرد و حسب اقتضاء، نقاط مورد استناد را موشکافی نمود. از این رو در خصوص مواد اعلامی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. بند ۳ ماده ۴۶، با توجه به صدر ماده صرفاً به جرم‌انگاری پدیده دستکاری پرداخته و اشعار می‌دارد: «هر شخصی که اقدامات وی نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود [به حبس تعزیری از سه ماه تا یک‌سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به‌دست‌آمده یا زیان متحمل‌نشده یا هر دو مجازات، محکوم خواهد شد]».

۲. ماده ۴۷، با بیان این مقرر که «اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی را به سازمان و یا بورس ارائه نمایند یا تصدیق کنند و یا اطلاعات، اسناد و یا مدارک جعلی را در تهیه گزارش‌های موضوع این قانون مورد استفاده قرار دهند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد» صرفاً از این جهت که مربوط به اطلاعات خلاف واقع به سازمان یا بورس مربوط ارائه گشته باشد جرم‌انگاری کرده و نسبت به مسئله مورد بحث اشاره صریحی ندارد. به بیان دقیق‌تر، فرض ماده ۴۷ ناظر به جرم ارائه اطلاعات خلاف واقع است نه دستکاری بازار.
۳. بندهای ۲ و ۴ ماده ۴۹، نیز به‌نحوی مشمول استدلال شماره ۲ هستند و باید آن را ناظر به جرم‌انگاری پدیده دیگری همچون خودداری از ارائه اطلاعات به سازمان دانست که خود یک عنوان مجرمانه مجزا از دستکاری بازار است.
۴. ماده ۵۱، با این مقرر که «در صورت ارتکاب تخلفات مندرج در این قانون توسط اشخاص حقوقی، مجازات‌های پیش‌بینی‌شده بر حسب مورد، درباره آن دسته از اشخاص حقیقی اعمال می‌شود که از طرف اشخاص حقوقی یادشده، مسئولیت تصمیم‌گیری را برعهده داشته‌اند» صرفاً بر نحوه مجازات اشخاص حقوقی دلالت دارد و در واقع غیر از این فرض متعرض موضوع دیگری نیست.
۵. منطوق ماده ۵۲ قانون نیز به شرح استناد در رأی هیأت، سازمان بورس و اوراق بهادار را مکلف نموده تا مستندات و مدارک مربوط به جرائم موضوع قانون بازار اوراق بهادار (از جمله جرم دستکاری بازار) را به مراجع قضایی ذی صلاح اعلام نموده و حسب مورد موضوع را به عنوان شاکی پیگیری نماید. ذیل ماده مارالذکر نیز صراحتاً بیان می‌دارد: «چنانچه در اثر جرائم مذکور، ضرر و زیانی متوجه سایر اشخاص شده باشد زیان دیده می‌تواند برای جبران آن، به مراجع قانونی مراجعه نموده و وفق مقررات، دادخواست ضرر و زیان تسلیم نماید».

با این تفاسیر از میان مستندات قانونی هیأت داوری در رأی مورد بحث تنها ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار محل استناد باقی خواهد ماند، لذا ماده مزبور را با نظر به مسئله مورد بحث تحلیل می‌کنیم. در این خصوص مبرهن است که ماده فوق دو حکم را مدنظر دارد:

۱. تکلیف سازمان بورس به اعلام جرم و ارائه مستندات مربوط به مراجع صالح قانونی، به سبب اینکه سازمان، نهادی ناظر در حوزه بورس و اوراق بهادار محسوب می‌شود و یکی از ابزارهای مهم قانونی برای انجام وظایف قانونی در این زمینه، همین مقرره مورد بحث است؛ چراکه این تکلیف از جهتی متوجه جایگاه قانونی سازمان می‌باشد و از سوی دیگر اشخاص زیان دیده ولو اینکه به طریقی از موضوع اطلاع یابند اسناد، مدارک یا امکانات لازم و کافی برای ارزیابی یا اثبات نزد مراجع قضایی را ندارند.^۱ از این رو صدر ماده ۵۲ نسبت به سازمان در اعلام جرائمی چون دستکاری بازار به مراجع قضایی تکلیف قانونی در نظر گرفته و از این جهت تکلیف مزبور صرفاً متوجه سازمان بورس و اوراق بهادار است.
۲. در کنار تکلیف سازمان به پیگیری جنبه مجرمانه موضوع، سایر اشخاص (غیر از سازمان بورس و اوراق بهادار) از جمله اشخاص خصوصی که به نحوی از جرم مورد نظر مرتکب خسارت شده‌اند حق اقامه دعوا نزد مراجع ذی صلاح دارند و برای اقامه حق خویش در این زمینه باید عموماً راجع به دادرسی را رعایت نمایند.

مبحث دوم: مسئله صلاحیت رسیدگی و راهکار مطالبه خسارت ناشی از جرم

بنا به مراتب فوق، روشن می‌شود که هیأت داوری بورس در عین در نظر داشتن جنبه کیفری موضوع، قائل به این امر است که چون ضرر و زیان وارده بر اشخاص خصوصی، فرع بر جرم مزبور می‌باشد، رسیدگی به این دعوا در

۱. محمد سلطانی، «صلاحیت هیأت داوری موضوع قانون بازار اوراق بهادار»، مجله تحقیقات حقوقی (دوره

صلاحیت دادگاهی خواهد بود که طبق ضوابط و مقررات صالح به رسیدگی کیفری است. به این معنا که آن مرجع کیفری در اینجا صلاحیتدار تلقی شده که می‌تواند از حیث قانونی به ضرر و زیان ناشی از جرم رسیدگی کند. از این رو لازم است وضعیت این موضوع، از حیث اختلاف صلاحیت هیأت داوری بورس با مراجع عمومی کیفری بررسی گردد. اختلاف مورد نظر را باید با امعان نظر به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد «شاکمی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند...» تفسیر نمود. مضاف بر اینکه در این تحلیل نباید صرفاً به جوانب نظری اکتفا کرد، لذا در مانحن‌فیه مسائل و مشکلات سرمایه‌گذاران خصوصی را نیز مورد اشاره قرار می‌دهیم.

فارغ از جنبه عمومی مسئله که در صدر ماده مورد اشاره در قانون بازار اوراق بهادار بر سازمان بورس تکلیف شده، اشخاص خصوصی نیز مشمول حق طرح دعوا هستند و در اصل و اصالت این حق تردیدی نیست و از این منظر محل بحث و تأمل در دو مسئله است:

بند نخست: مسئله صلاحیت رسیدگی

الف) در فرض تقارن جنبه عمومی و خصوصی موضوع

براساس مفاد مواد ۸ و ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، صرفاً مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم نزد مرجع کیفری می‌باشد. چنین دعوایی که هدف آن ترمیم خسارت بزه‌دیده و اعاده وضعیت وی به حالت سابق است، با این رویکرد که چون دادگاه جزایی، پس از تحقیقات مقدماتی دادرسی و رسیدگی‌های خویش به ابعاد مختلف ناظر به جرم و نتایج آن آگاهی یافته و می‌تواند در مورد مسئولیت کیفری و مجازات مربوط به آن اتخاذ تصمیم نماید، قادر به تشخیص و تعیین میزان ضرر و زیان ناشی از عمل متهم نیز خواهد بود، لذا در چنین مواردی ممنوعیت دادگاه جزایی در خصوص مسئله مورد بحث، سبب تضییع وقت و هزینه اشخاص و مراجع رسمی خواهد بود.^۱ بنابراین و از منظر تقارن دو فرض ماده ۵۲ قانون بازار اوراق

۱. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری (تهران: شهر دانش، چاپ بیست و نهم، ۱۳۹۴)، ج ۱، ص ۲۹۹.

بهادار باید اذعان نمود «راهی که ماده مزبور پیش‌بینی کرده این حسن را دارد که در همان زمانی که سازمان به عنوان شاکی یکی از جرایم قانون بازار به دادگاه مراجعه کرده، زیان‌دیدگان نیز می‌توانند به دادگاه، دادخواست ضرر و زیان تقدیم کنند. کاملاً منطقی است که گفته شود در این حالت هیأت داورى صلاحیت رسیدگی به اختلافی که منشأ آن ادعای جرم است را ندارد»^۱، لذا نتیجه دعوی منتهی به نظر عدم صلاحیت هیأت داورى را می‌توان ناظر به این فرض در نظر گرفت که البته در مواردی که عملاً موقوف و مختوم به عدم تأمین حقوق خصوصی اشخاص باشد کماکان قابل تأمل خواهد بود. در این خصوص به این مثال اکتفا می‌کنیم که چنانچه در نتیجه رأی اصداری، خواهان بخواهد موضوع دعوا را نزد مراجع کیفری مطالبه نماید، پیگیری وی از یک منظر منوط به انجام تکلیف توسط سازمان نیز خواهد بود. و چون از سویی ارائه مستندات ناظر به دستکاری متوجه سازمان است، در صورتی که مراتب ناظر به جنبه عمومی ترتیب اثر داده نشود در نتیجه، دعوی خصوصی سرمایه‌گذار نیز به نتیجه مطلوبی نائل نخواهد شد.

ب) در فرض عدم تقارن جنبه عمومی و خصوصی موضوع

از این منظر که گاهی تقارن جنبه عمومی و خصوصی جرم دستکاری بازار اوراق بهادار متصور نیست، محل نزاع هنوز پابرجاست چراکه با امعان‌نظر به جمیع مسائل ناظر به صلاحیت مرجع کیفری و حدود و ثغور دعوی خصوصی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، به نظر می‌رسد که: اولاً، در برخی دعاوی مطروح نزد هیأت داورى بورس، موضوع خواسته اساساً ضرر و زیان ناشی از جرم نیست تا فرض صلاحیت مراجع جزایی متصور باشد؛ ثانیاً، چنانچه به فرض قرابت جنبه کیفری و خصوصی موضوع، مبنای هیأت داورى ناظر به فرض تقارن جنبه عمومی و خصوصی موضوع را در فرض حاضر نیز اتخاذ کنیم، مجرای عدم صلاحیت در صورت عدم تقارن جنبه عمومی و خصوصی موضوع وجود ندارد و نهایتاً می‌توان قائل به صدور قرار اناطه بود. بنابراین، موجبات رسیدگی به جنبه خصوصی نزد

مراجع جزایی همواره فراهم نبوده و حتی در مواردی ممکن است موجب پیچیدگی دعوا و نقض غرض (از حیث اطاله رسیدگی و تزییع وقت و هزینه اشخاص و مراجع رسیدگی) گردد. پس در خصوص صلاحیت مرجع کیفری چنین به نظر می‌رسد که شرط مهم طرح دعوی خصوصی در این مرجع، طرح دعوی عمومی نزد مرجع مزبور است. از این رو زیان دیده از جرم نمی‌تواند بدون آغاز تعقیب کیفری، دعوی خصوصی ناظر به آن را طرح نماید.^۱ در غیر این صورت روشن است که دعوی مذکور نزد دادگاه ذی صلاح حقوقی مطرح خواهد شد، لذا در این مورد مسلم است که با توجه به صلاحیت ذاتی هیأت داورى بورس بر مبنای حکم ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار و حرفه‌ای بودن فعالیت ناظر به موضوع مورد بحث، دعوی یادشده باید نزد هیأت داورى طرح گردد.

بند دوم: راهکار مطالبه خصوصی خسارت ناشی از جرم دستکاری بازار

بنا به مطالب مذکور به نظر می‌رسد که رویه رسیدگی در فرض عدم تقارن جنبه عمومی و خصوصی موضوع قابل نقد باشد، زیرا: اولاً، از سویی جرم‌انگاری یک پدیده، نافی سایر ابعاد حقوقی آن نمی‌باشد و رسیدگی به جنبه حقوقی یک دعوا نیز فی نفسه ملازمه‌ای با بُعد کیفری ندارد؛ ثانیاً، براساس صراحت مقرر ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، خسارت مورد نزاع موضوعی کاملاً حرفه‌ای محسوب شده، رسیدگی به آن در صلاحیت ذاتی هیأت داورى است. درواقع تخصیص صلاحیت عام دادگستری به صلاحیت هیأت داورى، خود گواهی است بر مجوز قانونی رسیدگی توسط هیأت مورد بحث. با این حال، فارغ از برخی دغدغه‌های فنی و عملی، در فرض تقارن جنبه کیفری و خصوصی نزاع، از این جهت که ادامه رسیدگی منوط به احراز جرم می‌باشد چنین مسئله‌ای از طریق نهاد اناطه مرتفع خواهد شد.

به هر حال، نتیجه عملی فرض هیأت داورى در نفی صلاحیت خویش آن بوده است که رسیدگی به این موضوع جنبه عمومی دارد و در حیطه حقوق نهاد

ناظر (سازمان بورس و اوراق بهادار) می‌باشد حال آنکه صرفاً طرح جنبه‌های عمومی مسئله از حقوق و تکالیف سازمان محسوب می‌شود، لذا نمی‌توان چنین تصور نمود که به واسطه جنبه عمومی دعوا، جنبه خصوصی آن منتفی شده و سایر ذی‌نفعان (اشخاص خصوصی) فاقد سمت باشند. بنابراین، با امعان نظر به دو فرض مورد اشاره علاوه بر اینکه رویه هیأت داورى در این خصوص از حیث حقوقی و هنجاری صحیح به نظر نمی‌رسد، از جهت اثباتی نیز اتخاذ رویه مزبور تالی فاسد خواهد داشت و گاهی عملاً موجبات اطاله رسیدگی، و سردرگمی سرمایه‌گذاران و فعالان خصوصی بازار را فراهم می‌کند. برای نمونه، اگر در این دعوایی که هیأت داورى صلاحیت خود را نفی کرده، خواهان بخواهد موضوع را از طریق مراجع کیفری پیگیری و مطالبه نماید قطعاً به فراخور تفسیری که از ماده ۵۲ قانون یادشده خواهد شد، مطالبه چنین خواسته‌ای را منوط به طرح موضوع و پیگیری از سوی سازمان بورس و یا لاقلاً استعلام از آن سازمان خواهد دانست و چنانچه سازمان در این خصوص با شاکی خصوصی همکاری نکند دادخواهی خصوصی وی به سرانجام نخواهد رسید. حتی اگر خواهان با چنین مانعی نیز روبه‌رو نشود، به سبب تخصصی بودن مسئله و عدم وجود پتانسیل‌ها و ابزارهای تخصصی در رسیدگی به دعوای مذکور نزد مراجع عمومی دعوای او ممکن است از توفیق چندانی برخوردار نشود؛ چراکه فارغ از عدم تأثیر مجرم بودن یا نبودن مشتکی‌عنه در نتیجه دعوای مطالبه خسارت ناشی از جرم، یا مراجع پیش‌گفته به سبب عدم اشراف فنی، چنین دعوایی را استماع نکرده و یا در صورت پذیرش، تخصص چندانی در شناخت جوانب آن نخواهند داشت. از این رو چنین فرایندی در هر صورت منجر به سردرگمی ذی‌نفعان خصوصی خواهد شد.

روشن است که این رویکرد محدود به مطالبه خصوصی خسارت ناشی از دستکاری بازار نبوده و در نهادهای حقوقی مشابه همچون خسارت ناشی از معامله مبتنی بر اطلاعات نهانی نیز قابل پذیرش است. کماینکه برخی در این خصوص به‌درستی استدلال کرده‌اند که «هرچند اثبات جرم و صدور حکم محکومیت متهم می‌تواند با اثبات تقصیر مرتکب راه را برای اثبات مسئولیت مدنی وی هموارتر سازد

لکن رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم، متوقف بر رسیدگی به جنبه مجرمانه آن نیست، زیرا نه تنها مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری ارکان علی‌حده و مجزایی برای اثبات دارند، بلکه رسیدگی به جنبه کیفری موضوع ممکن است با عدم احراز رکن روانی جرم، منجر به برائت متهم شود؛ درحالی‌که چنین چیزی لزوماً به معنای عدم مسئولیت مدنی مرتکب نیست.^۱ از این رو با توجه به تشابه دو جرم معامله مبتنی بر اطلاعات نهانی و دستکاری بازار از حیث اثر دو وجهی حقوقی و کیفری، استدلال فوق در موضوع حاضر نیز قابل پذیرش و استناد می‌باشد.

بنا به مراتب فوق، به نظر می‌رسد با توجه به مفروغ بودن جنبه خصوصی دعوا نسبت به جنبه عمومی آن، رسیدگی به جنبه حقوقی دعوی مزبور در صلاحیت هیأت داورى است، لذا مرجع مذکور باید با توجه به این انصراف موضوعی، صرفاً به اولویت مسئله کیفری نسبت به بُعد حقوقی اکتفا ننماید و سایر زمینه‌ها و آثار دعوا را نیز مدنظر قرار دهد تا در شرایط قضایی کنونی موجبات تحقق عدالت قضایی نیز فراهم گردد. بر این اساس، حتی می‌توان ادعا کرد که اگر هیأت داورى با استفاده از ابزارهای فنی و تخصصی خویش (از جمله دو عضو متخصص مالی هیأت و استعلام مراتب موضوع از اشخاص تحت نظارت) بدون صدور قرار اناطه نیز مبادرت به رسیدگی و صدور رأی در چنین دعوایی کند، اقدام او توجیه‌پذیر بوده، با مصالح بازار و حقوق سرمایه‌گذاران نیز انطباق بیشتری خواهد داشت.

۱. محمدصادق شبانی، تحلیل فقهی - حقوقی اعتبار و آثار معامله مبتنی بر اطلاعات نهانی در بازار سرمایه ایران؛ با مطالعه تطبیقی در کامن‌لا، رساله دکتری حقوق خصوصی (تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۶)، ص ۲۷۲.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه جرائمی همچون دستکاری بازار اوراق بهادار از جنبه عمومی و طبیعی غیرقابل گذشت برخوردارند، چنین خصیصه‌ای مانع مطالبه خصوصی خسارت ناشی از آن نیست. در این خصوص، سؤال مهم آن است که: مرجع صلاحیتدار رسیدگی به چنین دعوایی کدام نهاد خواهد بود؟ یعنی دعوای مطالبه خسارت ناشی از دستکاری بازار و جرائمی از این قبیل باید نزد چه مرجعی طرح شود؟ این امر از سویی متوجه مرجع جزایی است که رسیدگی به جرم مربوطه نزد آن مطرح شده و از سوی دیگر ناظر به هیأت داوری موضوع ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار خواهد بود. به رغم اینکه از حیث حقوقی در قوانین حاضر امکان مطالبه خسارت ناشی از دستکاری بازار اوراق بهادار از مجرای مرجع کیفری نیز وجود دارد، چنین امکانی ممکن است در عمل عدالت حقوقی را در کشاکش جنبه عمومی موضوع با وجهه خصوصی آن تضمین نکند، زیرا مطالبه خصوصی خسارت مترتب بر دستکاری بازار الزاماً ملازمه‌ای با پیگیری مجرمانه آن ندارد و قائل شدن به چنین تقارنی منوط به پیگیری از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار نیز خواهد بود. روشن است در صورتی که مراتب طرح این موضوع از سوی سازمان مزبور غیرضروری یا فاقد امکان مطالبه تلقی شود و از این حیث پیگیری لازم صورت نگیرد، دعوای خصوصی با توفیق چندانی مواجه نخواهد شد. از این رو برای رفع چنین کاستی‌هایی باید به اطلاق ماده ۳۶ قانون بازار تمسک نمود و رسیدگی به دعوای مطالبه خصوصی خسارت ناشی از دستکاری بازار را در صلاحیت هیأت داوری بورس دانست. این در حالی است که هیأت مزبور رویه یکسانی اتخاذ نکرده و در این خصوص دو طریق متفاوت (۱). عدم صلاحیت خویش در رسیدگی به چنین دعوایی؛ ۲. اتخاذ قرار اناطه رسیدگی) را در نظر داشته است.

فهرست منابع

۱. جمالی، جعفر و محمد صادقی، رویه هیأت داوری بورس و اوراق بهادار (تهران: انتشارات بورس، ۱۳۹۶).
۲. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری (تهران: شهر دانش، چاپ بیست و نهم، ۱۳۹۴).
۳. سلطانی، محمد، «صلاحیت هیأت داوری موضوع قانون بازار اوراق بهادار»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۶، ش ۳ (۱۳۹۲).
۴. شبانی، محمدصادق، تحلیل فقهی - حقوقی اعتبار و آثار معامله مبتنی بر اطلاعات نهانی در بازار سرمایه ایران؛ با مطالعه تطبیقی در کامن‌لا، رساله دکتری حقوق خصوصی (تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۶).
۵. قربانی، مجید و عباس باقری، «دستکاری بازار اوراق بهادار»، فصلنامه پژوهش حقوق، س دوازدهم، ش ۲۹ (۱۳۸۹).
6. Korsmo, Charles, Mismatch: The Misuse of Market Efficiency in Market Manipulation Class Actions, William & Mary Law Review, 2011, Vol. 52, No. 4.